

تکافل اجتماعی از نگاه امام علی

<?xml encoding="UTF-8?">

گذشته چراغ راه آینده است و ما بر اساس تجربیات و شیوه رفتار گذشتگان برای زمان حال و آینده خود برنامه ریزی می کنیم. بدین منظور، بایستی به مطالعه سیره آنها بپردازیم تا از میان رفتارها و گفتارهای آنان چراغی برای خود بیابیم. از این امر در قرآن با عنوان الگو و اسوه یاد شده است: (وَلَقَدْ كَانَ لَكُم فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ) [1].

بهره مندی و الگوگرفتن از بزرگان به ویژه برای ما ضرورت بیشتری دارد؛ بزرگان دینی ما در مقام عصمت و امامت قرار داشته اند و رفتارشان برای ما حجت و دلیل راه است. [2] از جمله آنان امام علی (ع) است که مقام امامت و ولایت و حکومت را در زمان خود عهده دار بود و بخشی از عمر خود را در راه اداره جامعه سپری کرد. از این رو، مطالعه سیره وی می تواند در اداره جامعه ما نیز راهگشا باشد. یکی از شیوه های رفتاری امام علی (ع) رسیدگی به وضعیت نیازمندان جامعه بود که در جامعه اسلامی امروز نیز می تواند الگو قرار گیرد.

در این مقاله، ما «رسیدگی به وضع نیازمندان و حمایت از آنان» را با عنوان «تکافل اجتماعی» یاد می کنیم. حضرت علی (ع) برای توزیع مطلوب بیت المال بر دو ویژگی اساسی تأکید می ورزید:

1. رعایت عدالت در تقسیم؛

2. حبس نکردن حقوق عمومی.

آن حضرت برای بیت المال دو نوع مصرف را در نظر می گرفت:

مصرف خاص و مصرف عام. [3]

یکی از مصادیق مصرف خاص بیت المال از دیدگاه امام تأمین نیاز فقرا و مستمندان و از کار افتادگان است؛ چرا که توانایی های افراد جامعه با یکدیگر برابر نیست: برخی توانایی جسمی و استعداد سرشار دارند، عده ای ضعیف اند، بعضی برای امرار معاش درآمد کافی ندارند، برخی معلول و بیمارند، عده ای هم ورشکسته و از کار افتاده. این گونه افراد چه حقوقی در جامعه انسانی دارند؟

فقر آثار بسیاری در جامعه انسانی بر جای می گذارد که امام علی (ع) به این موضوع این چنین اشاره می فرماید:

«يَا بُنَيَّ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ الْفَقْرَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنْهُ فَإِنَّ الْفَقْرَ مَنْقَصَةٌ لِلدِّينِ مَذْهَبَةٌ لِلْعَقْلِ دَاعِيَةٌ لِلْمَقْتِ». [4]

امام علی (ع) در این حکمت به سه اثر فقر اشاره می کند:

1. نقص در دین؛ 2. نقص در عقل؛ 3. ایجاد دشمنی.

با گرسنگی قوت پرهیز نماند

افلاس عنان از کف تقوا بستاند [5]

کامل فرزانه را دیوانه سازد احتیاج

عاقلان را از خرد بیگانه سازد احتیاج [6]

تأمین حقوق نیازمندان جامعه مستلزم برآورد نیاز و تأمین منابع مالی و ساز و کاری برای حمایت از آنان است.

«حمایت از محرومان به معنای توزیع فقر در جامعه نیست، بلکه ریشه کنی فقر از جامعه است و موجب توسعه و عمران آن می شود. با حمایت از نیازمندان می توان آنها را به بازار کار و تولید کشاند تا رقابت سالم و صحیح پدید آید و بر حجم و کیفیت تولیدات افزوده شود».[7]

حقوق نیازمندان

نیازمندان حقوقی دارند که بدان اشاره و راه استیفای آنها را بیان می کنیم.

1. حق حیات

همه افراد در حالت عادی حق زنده ماندن و استفاده طبیعی از امکانات موجود در طبیعت را دارند. از این رو، برای افراد از کار افتاده و یا کسانی که به سبب حوادث غیر منتظره درآمد کافی ندارند، باید چاره ای اندیشید. در چنین مواقعی دولت اسلامی برای ادامه زندگی آنان اقدام می کند. همچنین مردم با انفاق های واجب و مستحب خود به تأمین زندگی آنان می پردازند. حضرت علی (ع) در این باره می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مُتَّعَ بِهِ عَنِّي؛ [8] خداوند روزی نیازمندان را در اموال ثروتمندان واجب کرده است و نیازمندی گرسنه نمی ماند، مگر اینکه توانگری از حق او بهره مند شده باشد».

این سخن امام به نوعی تفسیر آیه 25 سوره معارج است که می فرماید: (وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِلِسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ).

این آیه به رعایت حق حیات نیازمندان اشاره دارد که باید زندگی آنان حفظ شود و دولت و ثروتمندان وظیفه دارند که از همنوعان خود حمایت کنند. اختصاص بخشی از بیت المال به افراد نیازمند که در سیره امام علی (ع) دیده می شود، به دلیل همین حق حیات است که همه انسان ها باید از آن برخوردار باشند. در زمان حکومت آن حضرت، روزی ایشان پیرمردی را دید که از مردم کمک می خواهد؛ او از اطرافیانش پرسید: این مرد کیست؟ گفتند: مردی مسیحی است که از طریق کارگری امرار معاش می کرد و حالا از کار افتاده است. امام فرمود:

«اسْتَعْمَلْتُمُوهُ حَتَّى إِذَا كَبُرَ وَ عَجَزْتُمُوهُ وَ مَنْعْتُمُوهُ أَنْفَقُوا عَلَيْهِ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ؛ [9] از او کار کشیدید تا پیر و ناتوان گردید و اکنون او را محروم می سازید! از بیت المال به او انفاق و کمک کنید».

این برخورد امام با مرد مسیحی، نشان می دهد که حق حیات، حقی انسانی است، نه دینی.

2. حق معاش

یکی دیگر از حقوق نیازمندان حق معاش یا گذران زندگی به شکل آبرومندانه است. در این زمینه امام می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَى الْأَغْنِيَاءِ فِي أَمْوَالِهِمْ بِقَدَرٍ مَا يَكْفِي فُقَرَاءَهُمْ وَإِنْ جَاعُوا وَ عَرَوْا وَ جَهَدُوا فَيَمْنَعِ الْأَغْنِيَاءُ وَ حَقٌّ عَلَى اللَّهِ أَنْ يُحَاسِبَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يُعَذِّبَهُمْ عَلَيْهِ؛ [10] خداوند بر ثروتمندان واجب کرده است تا از اموالشان به اندازه کفایت فقیران هزینه کنند. اگر نیازمندان گرسنه یا عریان باشند، به سبب منع ثروتمندان است و خداوند از آنها در روز قیامت حساب می کشد و آنان را مجازات می کند».

تعبیر «بقدر ما یکفی فقراءهم» در سخن امام به حق معاش اشاره دارد و بیانگر این نکته است که هزینه معاش

نیازمندان چه از سوی دولت اسلامی و چه از سوی ثروتمندان باید تأمین شود و اگر چنین نکنند، مورد محاسبه و مجازات قرار می گیرند. بنابراین تکافل اجتماعی وظیفه ای همگانی است.

البته فقر مفهوم گسترده ای دارد و در هر زمان با توجه به سطح زندگی افراد جامعه، سطح فقر تعیین می شود. «با توجه به گستردگی مفهوم فقر در هر زمان و با در نظر گرفتن سطح متوسط معیشت جامعه، فقر تعریف می شود. از این رو، فقرزدایی و رسیدگی به فقیران باید با تأمین رفاه نسبی آنان ادامه یابد». [11] امام علی (ع) در این باره می فرماید:

«فَمَنْ آتَاهُ اللَّهُ مَالًا فَلْيَصِلْ بِهِ الْقَرَابَةَ وَ لِيُحْسِنَ مِنْهُ الصِّيَافَةَ وَلِيُفِكَ بِهِ الْأَسِيرَ وَالْعَانِيَّ وَ لِيُعْطِ مِنْهُ الْفَقِيرَ وَالْغَارِمَ وَلِيَصْبِرَ نَفْسَهُ عَلَى الْحَقُوقِ وَ النَّوَائِبِ ابْتِغَاءَ الثَّوَابِ؛ [12] هر کس که خداوند مالی را به او بخشد، باید به خویشاوند خود بخشش کند و سفره های مهمانی بگستراند و اسیر را آزاد کند و از آن به نیازمندان و بدهکاران بپردازد و برای به دست آوردن ثواب الهی، در برابر پرداخت حقوق الهی شکیبایی کند».

امام علی (ع) در این فراز از خطبه به سه نکته اشاره می کند:

الف) مالی که در اختیار انسان قرار می گیرد، از آن خداست؛

ب) کسانی که باید از این ثروت بهره ای ببرند، مشخص شده اند که عبارت اند از: خویشاوند، مهمان، اسیر،

گرسنه، نیازمند، بدهکار، که می توان گفت اینان همان مصرف کنندگان انفاق واجب هستند؛

ج) انفاق باید با طیب خاطر و برای به دست آوردن رضای خدا صورت بگیرد؛ همان طور که خداوند در قرآن اشاره

می کند: (وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ. [13])

امام (ع) در این فراز، بخشش اموال را، یکی از راه های تحقق عدالت اقتصادی و توازن مالی بیان می کند. اگر این توازن از بین برود و تمرکز ثروت به وجود بیاید، موجب برهم خوردن نظم اجتماعی و شکاف طبقاتی در جامعه می شود. خداوند در قرآن در این باره این چنین می فرماید:

(مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ...) [14]؛ «آنچه را که خداوند (از دارایی) ساکنان قریه ها عاید پیامبرش گرداند، از آن خدا و

پیامبر و خویشاوندان وی و یتیمان و بیچارگان و در راه ماندگان است تا در میان ثروتمندان دست به دست

نگردد...».

آیه بالا، علت این گونه توزیع ثروت را جلوگیری از دست به دست شدن ثروت ها در دست عده ای انگشت شمار از

افراد جامعه بیان می فرماید و این همان شیوه ای است که امام علی (ع) نیز به آن اشاره دارد:

«أُعْطِيَتْ كَمَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يُعْطِي بِالسَّوِيَّةِ وَ لَمْ أَجْعَلْهَا دُولَةً بَيْنَ النَّاسِ؛ [15] اموال را در بین مردم به طور

مساوی تقسیم کردم، همان طور که پیامبر خدا این چنین تقسیم می کرد، و آن را مانند گوی در بین ثروتمندان قرار ندادم تا دست به دست شود».

امام (ع) در این بخش از سخن خود به این نکته اشاره می کند که بخشی از اموال و دارایی ثروتمندان و دولت

اسلامی، به عموم مردم اختصاص دارد. «بنابراین بایستی ثروت و درآمد در بین همه گروه های جامعه توزیع شده

و در دست گروهی خاص قرار نگیرد و ثروت و درآمدها در نظام اقتصادی اسلام دارای اهمیت خاصی است؛ زیرا

توازن اقتصادی و در پرتو آن، عدالت اقتصادی را به همراه دارد». [16]

یکی دیگر از درآمدهایی که بایستی به نوعی در بین همه مردم توزیع شود، خراج (مالیات) است. ایشان درباره

نحوه هزینه خراج می فرماید: «وَ تَفَقَّدَ أَمْرَ الْخَرَجِ بِمَا يُصْلِحُ أَهْلَهُ فَإِنَّ فِي صَلَاحِهِ وَ صَلَاحِهِمْ سَوَاهُمْ وَ لَصَلَاحِ

لِمَنْ سِوَاهُمْ إِلَّا بِهِمْ لِأَنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ عِيَالٌ عَلَى الْخَرَجِ وَ أَهْلِهِ؛ [17] در کار خراج چنان دقت کن که اصلاح خراج دهندگان در آن است؛ چه اصلاح خراج و خراج دهندگان در اصلاح دیگران است و کار دیگران سامان نمی یابد، جز به مؤدیان خراج؛ چرا که همه مردم هزینه خوار خراج و خراج دهندگان هستند.

امام علی (ع) در این فراز از نامه دو نکته را یادآوری می کند:

الف) خراج، ثروت خراج دهندگان را تعدیل می کند؛

ب) خراج، با توزیع ثروت در بین نیازمندان، خراج گیرندگان را هم اصلاح می کند.

حتی امام (ع) بالاتر از این نکته را یادآوری می کند و می فرماید که در زمان حکومت من در کوفه رفاه نسبی در بین ساکنان این شهر برقرار شد و همه از حداقل نیازها برخوردار بودند:

«ما أَصْبَحَ بِالْكُوفَةِ أَحَدٌ إِلَّا نَاعِمًا، إِنَّ أَذْنَاهُمْ مَنْزِلَةٌ لِيَأْكُلَ مِنَ الْبُرِّ وَ يَجْلِسَ فِي الظِّلِّ وَ يَشْرَبَ مِنْ مَاءِ الْفُرَاتِ؛ [18] همه مردم کوفه از رفاه برخوردار گردیدند؛ چون پایین ترین آنها (یعنی فقیرترین افراد جامعه) نان گندم می خورد و سرپناه مناسب دارد و از آب سالم فرات می نوشد».

در این کلام، سه موضوع به عنوان مصداق بهره مندی از حق معاش مطرح شده: 1. نان گندم (خوراک)؛ 2. سرپناه (منزل مسکونی)؛ 3. آب سالم. این امور به عنوان حداقل نیاز مردم یا تأمین رفاه در کف است و رساندن رفاه به سقف، برنامه بعدی امام بود.

عدالت خواهی امام و سیاست توزیع ثروت در میان عامه مردم و نیازمندان، موجب رخت برپستن پدیده فقر از جامعه علوی گردید و درآمدهای جامعه به صورت متوازن در بین همه افراد توزیع شد. «از دیدگاه حضرت علی (ع) سیاست های توزیعی باید تا برخورداری همگان از رفاه نسبی ادامه یابد». [19]

امام (ع) با معرفی طبقات گوناگون مردم و نقش هر کدام از آنها در جامعه و با اشاره به طبقه ضعیف یادآوری می فرماید که این گروه بایستی مورد توجه قرار گیرند:

«وَمِنْهَا الطَّبَقَةُ السُّفْلَى مِنْ ذَوِي الْحَاجَةِ وَ الْمَسْكِينَةِ وَ كُلُّ قَدْ سَمَى اللَّهُ لَهُ سَهْمَهُ وَ وَصَّعَ عَلَى حَدِّهِ قَرِيبَةً فِي كِتَابِهِ أَوْ سَنَةِ نَبِيِّهِ 9 عَهْدًا مَحْفُوظًا عِنْدَنَا؛ [20] و طبقه پایین دست جامعه از نیازمندان و بینوایان هستند و خداوند سهم هر دسته را مشخص کرده و حدود و میزان آن را در کتاب خود یا سنت پیامبرش بیان داشته است. این پیمانی است از جانب خدا که در نزد ما نگه داری می شود».

این چنین مستغنی از حال تهی دستان مباش

آخر ای منعم نگاهی کن به حاجتمند خویش. [21]

این فراز از سخن امام (ع) به نوعی تفسیر آیات مربوط به انفاق است؛ چون در آیات انفاق، سهم نیازمندان

مشخص و موارد مصرف آن تعیین شده است.

توصیه های امام برای دست گیری از نیازمندان در حدی است که خداوند را به عنوان شاهد یاد می کند و می فرماید:

«ثُمَّ اللَّهُ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ مِنَ الْمَسَاكِينِ وَ الْمُحْتَاجِينَ وَ أَهْلِ الْبُؤْسَى وَ الدُّمْنَى فَإِنَّ فِي هَذِهِ الطَّبَقَةِ قَانِعًا وَ مُعْتَرًّا وَ أَحْفَظَ لِلَّهِ مَا اسْتَحْفَظَكَ مِنْ حَقِّهِ فِيهِمْ وَاجْعَلْ لَهُمْ قِسْمًا مِنْ بَيْتِ مَالِكَ؛ [22] خدا را درباره طبقه پایین جامعه در نظر داشته باش! مردمی که چاره ای ندارند، از بیچارگان و نیازمندان و گرفتاران رنجور و ناتوانان زمین گیر، و در میان این طبقه قانع و سؤال کننده وجود دارد و پاس دار حق را که خداوند برای آن نگرهبانی اش را به تو سپرده و بخشی از بیت المال را به آنان اختصاص بده».

امام (ع) به استیفای این دو حق تأکید فراوان داشت. امیدواریم که کارگزاران حکومتی از این شیوه رفتاری امام الگو گیرند و به تأمین حقوق نیازمندان جامعه اقدام ورزند.

گر کشی یک کور از چاه ای فلان
به که خود بالا کشی تا آسمان
گر برآری حاجت بیچاره ای
به که خوانی چهل کرت سی پاره ای
در رضای یک مسلمان ده قدم
به که سالی طی کنی راه حرم
لیک کار مؤمنان را ساختن
سینه شان را از غمی پرداختن
هر چه باشد شادی آن دولتی است
خود نه محتاج خلوص قربتی است
در ازایش داری اجری بی حساب
قربت ار باشد فزون گردد ثواب [23]

پی نوشت ها :

- 1 . احزاب./21.
- 2 . لسان العرب، ابن منظور، ج6، ذیل لغت سیره.
- 3 . سیاست نامه امام علی (ع)، محمد محمدی ری شهری، ترجمه مهدی مهریزی، ص401 و409.
- 4 . نهج البلاغه، حکمت.319
- 5 . گلستان سعدی، ص.167
- 6 . معارف نهج البلاغه در شعر شاعران، محمد دشتی، به نقل از دیوان لامع، ص.620
- 7 . دانش نامه امام علی (ع)، زیر نظر علی اکبر صادقی رشاد، ج7، ص.91
- 8 . نهج البلاغه، حکمت.328
- 9 . سیاست نامه امام علی (ع)، ص412، به نقل از تهذیب الاحکام شیخ طوسی، ج6، ص.293
- 10 . موسوعة الإمام علی بن ابی طالب، محمد محمدی ری شهری، ج4، ص.203
- 11 . دانشنامه امام علی (ع)، ج7، ص.94
- 12 . نهج البلاغه، خطبه.142
- 13 . بقره./265
- 14 . حشر./7
- 15 . موسوعة الامام علی بن ابی طالب، ج4، ص.124
- 16 . دانشنامه امام علی (ع)، ج7، ص.84
- 17 . نهج البلاغه، نامه .53

- 18 . بحارالانوار، ج40، ص.327
- 19 . دانشنامه امام علی (ع)، ج7، ص84
- 20 . نهج البلاغه، نامه 53.
- 21 . معارف نهج البلاغه در شعر شاعران، به نقل از دیوان وحشی بافقی، ص.94
- 22 . نهج البلاغه، نامه 53.
- 23 . معارف نهج البلاغه در شعر شاعران، به نقل از مثنوی مرحوم نراقی، ص342.